

نویسنده: سلیمان «مرادی»

درجه تحصیل: ماستر تفسیر و حدیث / استاد و رئیس پوهنخی شرعیات پوهنتون جهان

شماره تماس: ۰۷۸۴۴۲۴۰۰۷

ایمیل آدرس: sulaimanmuradi1@gmail.com

چکیده

اثر فتح المغیث از قویترین شروح الفیه عراقی میباشد که در طول تاریخ مورد عنایت و توجه علما قرار گرفته است. از آنجایی که در این اثر منهج خاص و ابتکارات عجیب در شرح مسایل صورت گرفته است، ضرورت دانستن جایگاه علمی امام سخاوی و منهج وی در اثر جهت سودمند واقع شدن تحقیق و مطالعه آن، مبرم دانسته میشود. پرشی که اساس تحقیق را تشکیل میدهد اینست که: جایگاه علمی امام سخاوی از چه قرار بوده و منهج وی در فتح المغیث چگونه میباشد؟ بر این اساس، این تحقیق به هدف بیان جایگاه علمی اثر سخاوی، بیان منهج وی در شرح مسایل الفیه و کشف ویژگیهای علمی و ابتکارات مصنف در آن صورت گرفته است. روش کار در این تحقیق کتابخانه‌یی و استقرایی بوده است. حاصل این بررسی از این قرار است که: سخاوی - رحمه الله - از دانشمندان بزرگ حدیث و علوم آن در قرن چهارم هجری بوده و اثر وی «فتح المغیث» بهترین شروح الفیه میباشد؛ قسمی که در این اثر تمام مسایل نظم الفیه عراقی را به شرح احاطه نموده و عوامل آن را حل نموده است و در شرح آن اقوال علما را از مصادر متعدد با نسبت آن به مصادر مربوطه وارد نموده و مورد مناقشه علمی قرار داده است. و از ویژگیهای این اثر میتوان توسط در شرح، ایراد اقوال و مناقشه علمی آن، نسبت اقوال به مصادر آن، بیان احکام احادیث و روایات، ترتیب و تنسيق زیبای مسایل و فصول و... را یادآور شد.

واژه‌های کلیدی: منهج؛ سخاوی؛ فتح المغیث؛ الفیه؛ مصطلح الحدیث.

مقدمه

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين وبعد:

الله متعال امت مسلمه را با ابتکار در علم حدیث و علم رجال و استاد آن برتری بخشید و دانشمندان در طول تاریخ به آن اهتمام ورزیده و با تحقیق، تدوین و بحث در حفظ احادیث و علوم آن و در اغنای کتابخانه حدیثی سعی فراوان نموده‌اند.

پس از اینکه فتنه بدعت و استحداث در دین بر مبنای اهوای فکری و عقیدتی بوجود آمد، علمای امت در خصوص رجال احادیث تحقیق و بررسی را آغاز کردند و به اینگونه حکم الله متعال در سوره حجرات را در خصوص تحقیق واقعیت اخبار، عملی نمودند: [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُم فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا]. پس از آن علمای علم حدیث پیوسته قواعد علم حدیث را با استناد به نصوص و معاییر شرعی ایجاد و تدوین نمودند، که از آن زمان تا حال آثار فراوان و گرانسنگی در این زمینه بجا مانده است. بدون تردید آثار علمی و پرارزش در زمینه دارای مناهج و مسالکی میباشد که روش بحث و پژوهش در زمینه علوم الحدیث را متنوع و گوناگون ساخته است و این امر مقتضای فهم و شناخت مناهج مصنفین میباشد تا بصورت درست از این تصنیفات و آثار استفاده صورت بگیرد.

أ بیان مسئله

شرح بزرگ فتح المغیث از آغاز تصنیف تا اکنون میان اهل علم، بخصوص دانشمندان و طلبه علم دارای جایگاه والایی بوده و مصدري معتبر و موثقی در عرصه مصطلح الحدیث شمرده میشده است. این اثر گرانسنگ از امام سخاوی -رحمه الله- میباشد، وی صاحب تصنیفات فراوانی بوده که در هر یکی ابتکار خود را تبارز داده است و جایگاه علمی و ارزش آثار وی در میان اهل علم و علمای حدیث مشهور و بی نیاز از اثبات میباشد. فتح المغیث در واقع شرحی بالای نظم حافظ عراقی -رحمه الله- است که بنام الفیه الحدیث مشهور است. چنانچه کتاب فتح المغیث، شرح بینظیر الفیه و یکی از مصادر مهم در علم مصطلح الحدیث شمرده میشود، علما و طلاب، بخصوص محققان در علم حدیث را شناخت، مطالعه و تحقیق امری لازمی و لابدی است و از آنجایی که وارد شدن به این اثر گرانسنگ پس از آگاه شدن و حفظ مبادی مصطلح الحدیث، نیازمند شناخت این اثر و منهج مصنف در آن میباشد، این امر ما را به اهمیت تحقیق و کاوش منهج مصنف در این اثر و ابتکارات وی در آن معترف میسازد و به عبارتی، پیش از پیش این سوالات را در ذهن پدید میآورد که: اهمیت این کتاب در چه است؟ و مصنف در این مصدر بزرگ علمی چه منهجی را اختیار نموده و چه ویژگیها را در ارایه مسایل ابراز نموده است؟ این تحقیق مختصر در صدد پاسخ به این پرسشها و تبیین منهج شارح در این اثر میباشد.

ب) اهمیت تحقیق

اهمیت تحقیق در خصوص منهج امام سخاوی -رحمه الله- در فتح المغیث، برمیگردد به جایگاه والایی آن در میان مصادر علوم الحدیث؛ بخصوص شروح الفیه الحدیث و منهج مبتکرانه امام سخاوی در این اثر.

ج) پرسشهای تحقیق

- جایگاه علمی امام سخاوی در علوم حدیثی از چه قرار است؟
- منهج امام سخاوی -رحمه الله- در فتح المغیث چگونه است؟

د) اهداف تحقيق

در تحقيق اين موضوع، اهداف ذيل در نظر بوده است:

- بيان جايگاه كتاب فتح المغيث در ميان مصادر مصطلح الحديث؛
- بيان منهج امام سخاوی -رحمه الله- در اين اثر و ویژگیهای علمی آن، که پیش از پیش دانشجوی مصطلح الحديث و پژوهشگر در عرصه علوم الحديث را با این اثر روش مصنف آگاه میسازد.

پیشینه تحقيق

در خصوص بيان منهج امام سخاوی -رحمه الله- تحقیقاتی صورت گرفته است که بر حسب جستجوی نگارنده قرار ذیل میباشد:

- منهج الإمام السخاوی -رحمه الله- في كتابه فتح المغيث بشرح ألفیه الحديث: این اثر تیزس ماستری بوده که منهج امام سخاوی را در اثرش بصورت تفصیلی بیان نموده است. محقق این اثر زین العابدین اندونیزیایی بوده که برای حصول درجه ماستری از پوهنتون أم درمان سودان این اثر را به زبان عربی تحقیق نموده است و یافته‌ها و اجتهادات خود را از منهج سخاوی به بررسی گرفته است.

- تحقیق کتاب فتح المغيث: تحقیق کتاب فتح المغيث برای حصول درجه دکتورا توسط محققان: دکتر عبد الکریم الخضیر و دکتر محمد بن عبد الله آل فهد صورت گرفته است که بصورت مقدماتی اشاره‌ای به منهج وی داشته‌اند.

در مقاله هذا سعی شده تا منهج امام سخاوی -رحمه الله- بشکل عام و با اساس قراردادن مقدمه مصنف در اثر، با ذکر شواهد مختصر از خود کتاب، مورد بررسی قرار گیرد.

روش تحقيق

تحقیق این موضوع بصورت کتابخانه‌یی و استقرایی بوده است.

مطالب

در این تحقیق مطالب ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

گفتار اول: مفهوم‌شناسی و کلیات (که تعلق به شناخت امام سخاوی و جايگاه علمی وی میگیرد)

گفتار دوم: فتح المغيث و منهج امام سخاوی در آن که شامل اجزای ذیل میباشد:

جزء اول: اصل کتاب فتح المغيث

جزء دوم: شیوة امام سخاوی در فتح المغيث

جزء سوم: ویژگیهای کتاب فتح المغيث

نتایج و یافته‌ها

مناقشه

نتیجه‌گیری

گفتار اول: مفهوم‌شناسی و کلیات

در این گفتار مفهوم منهج و کلیات که شامل شخصیت امام سخاوی و جایگاه علمی وی میباشد، مورد بحث قرار میگیرد:

جزء اول: مفهوم منهج

واژه «منهج» همانند واژه منہاج بوده و به مفهوم طریق واضح و راه روشن و آشکار میاید؛ چنانچه عرب میگوید: «نهجتُ الطريق» یعنی راه را روشن و آشکار ساختم و «نهج الأمر» فلان کار واضح گشت (ابن منظور، ۳۸۳/۲: ۱۴۱۴).

چنانچه این واژه در قرآن کریم همچنان به همین مفهوم آمده است؛ الله تعالی میفرماید:

إِلَّا لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا [المائدة: ۴۸] (ای مردم، برای هر ملتی از شما شرع و راه روشن و واضحی قرار داده‌ایم).

مراد از منهج در این تحقیق: راه و روش علمی میباشد که در تصنیف و بیان موضوعات کتاب فتح المغیث بکار رفته است.

جزء دوم: شخصیت امام سخاوی -رحمه الله- و جایگاه علمی وی

او محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن ابی بکر بن عثمان بن محمد سخاوی است و کنیه اش ابو الخیر میباشد.

تولد وی در قاهره در ماه ربیع الاول، سال ۳۳۱ هـ. ق. صورت گرفته است (ابن عماد، ۷۶/۱: ۱۴۰۶).

امام سخاوی -رحمه الله- در محیط و خانواده علمی پرورش یافته بود. او در حالی که کوچک بود، قرآن کریم را حفظ کرد و تجوید را فرا گرفت، سپس المنہاج، الفیة ابن مالک، الفیة عراقی، بیشتر بخشهای شاطبی، نخبة الفکر و مقدمه شاولی را حفظ کرد، او از مشایخ زیادی علم را اخذ کرد و دانشمندان فراوانی اجازه افتا، تدریس و املا را برای وی داده بودند.

او یکی از شاگردان خاص ابن حجر -رحمه الله- بود و از وی علم فراوانی آموخت و همیشه با او بود.

همچنان برای طلب علم به سرزمینهای زیادی سفر کرد؛ از جمله: دمشق، حلب، بیت المقدس، خلیل، نابلس، رمله، حماه، بعلبک و حمص (ابن عماد، ۷۷/۱: ۱۴۰۶).

در خصوص جایگاه علمی وی، دانشمندان و علمای فراوانی شهاداتی داشته‌اند که دلالت بر این میکند که امام سخاوی از ارکان علم حدیث بوده است:

شیخ تقی بن فهد که یکی از مشایخ وی میباشد میگوید:

«او از کسانی است که اهتمام بسیاری در خدمت حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم کرده است، و بر این امر در عالم شهرت یافته است و بر طریق اهل دین و تقوا بوده و در این امر به مراتب عالی رسیده است.»

نجم ابن فهد میگوید: «او حجتیست که خصم را مجال انکار از آن نیست و آیت و نشانه‌ایست که گواهی میدهد که او امام مردم است، سخنش نیاز به گواه ندارد، به الله سوگند، او از بهترین بازماندگان آن علمایست که دیده‌ام، من و تمامی طلاب حدیث در سرزمینهای شام و مصر و سایر سرزمینهای اسلام بر او عیال هستیم و به الله سوگند نظیری برای او در میان مردم نمیدانم.»

تقی الدین شمنی اورا با چنین القابی توصیف میکند: «الشیخ العلامة الثقة الفهامة الحجة، مفتی المسلمین، إمام المحدثین، حافظ العصر، شیخ السنة النبویة ومحررها، وحامل راية فنونها ومقررها...».

برهان الدین باعونی در مورد امام سخاوی -رحمه الله- میگوید: «بعد از شیخ الاسلام ابن حجر کسی دیگر مانند او نیست» (الخضیر، ۸۹/۱: ۱۴۲۶).

همچنان افزون بر اختصار، برخی مسایل مربوط به این علم را نیز افزوده است (الخضیر، ۱۲۹/۱: ۱۴۲۶).

جزء دوم: منهج امام سخاوی -رحمه الله- در فتح المغیث

تسمیه این کتاب را به این نام (فتح المغیث) خود امام سخاوی در کتاب «الضوء اللامع» ذکر کرده است (سخاوی، ۱۶/۸). بدین معنا که تسمیه این اثر از سوی خود شارح بوده و در خصوص آن خلاق نمیباشد.

کتاب «فتح المغیث» درازترین و جامعترین شرح بر الفیه عراقی است، هر چند که بسیاری از اقدامات به شرح الفیه کرده بودند، اما شرح امام سخاوی بر الفیه الحدیث در حقیقت همانند شرح فتح الباری بر صحیح البخاری میباشد، همانگونه که فتح الباری دیگران را از شرح بر بخاری بی نیاز ساخت، فتح المغیث نیز با این شرح خود برای دیگران نیازی برای شرح دیگری نگذاشت.

کتاب «فتح المغیث» را در واقع خود امام سخاوی در مقدمه خود به معرفی گرفته است و این مقدمه در واقع یگانه مرجع قوی برای دریافت منهج وی میباشد، زیرا در خلال آن منهج خود را نیز به اختصار توضیح داده است. سزاوار است که این قسمت را با الفاظ آن برای اهل علم و شایقان علوم الحدیث نقل نماییم:

«فَهَذَا تَنْقِيحٌ لَطِيفٌ، وَتَلْقِيحٌ لِفَهْمِ الْمُتَنَبِّهِ، شَرَحْتُ فِيهِ الْفِيَّةَ الْحَدِيثِيَّةَ، وَأَوْضَحْتُ بِهٖ مَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ مِنَ الْقَدِيمِ وَالْحَدِيثِ، فَفَتَحْتُ مِنْ كُنُوزِهَا الْمُخَصَّنَةَ الْأَقْفَالَ كُلَّ مُرْتَجٍ، وَطَرَحْتُ عَنْ رُمُوزِهَا الْإِشْكَالَ بِأَيِّنِ الْخُجْجِ، سَابِقًا لَهَا فِيهِ، بِحَيْثُ لَا تَتَخَلَّصُ مِنْهُ إِلَّا بِالتَّمْيِيزِ، لِأَنَّهُ أُبْلِغُ فِي إِظْهَارِهِ الْمَعْنَى. تَارِكًا لِمَنْ لَا يَرَى حُسْنَ ذَلِكَ فِي خُصُوصِ النُّظْمِ وَالتَّرْجِيحِ، لِكُونِهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ مُتَعَنِّتًا لَمْ يَذُقِ الَّذِي هُوَ أَهْنَى، مُرَاعِيًا فِيهِ الْإِعْتِنَاءَ بِالنَّاطِمِ رَجَاءَ بَرَكَتِهِ، سَاعِيًا فِي إِفَادَةِ مَا لَا عَنَى عَنْهُ لِأَيْمَةِ الشَّانِ وَطَلَبَتِيهِ، غَيْرَ طَوِيلٍ مُمِلٌ، وَلَا قَصِيرٍ مُخِلٌ، اسْتَعْنَاءً عَنِ تَطْوِيلِهِ بِتَصْنِيفِي الْمُبْسُوطِ الْمَقْرُرِ الْمَضْبُوطِ، الَّذِي جَعَلْتُهُ كَالنُّكْتِ عَلَيْهِا وَعَلَى شَرْحِهَا لِلْمُؤَلِّفِ. وَعِلْمًا بِنَقْصِ هِمَمِ أَمَاثِلِ الْوَقْتِ فَضْلًا عَنِ الْمُتَعَرِّفِ، إِجَابَةً لِمَنْ سَأَلَنِي فِيهِ مِنَ الْأَيْمَةِ ذَوِي الْوَجَاهَةِ وَالتَّوَجِيهِ، مِمَّنْ خَاصَّ مَعِيَ فِي الشَّرْحِ وَأَصْلِهِ، وَارْتِنَاضَ فِكْرُهُ بِمَا يَرْتَقِي بِهٖ عَنِ أَقْرَانِهِ وَأَهْلِهِ.» (سخاوی، ۴/۱: ۱۴۲۶)

از خلال این مقدمه در خصوص منهج امام سخاوی -رحمه الله- فواید ذیل استنباط و استخراج میشود:

۱- اینکه کتاب فتح المغیث، الفیه الحدیث عراقی -رحمه الله- را که نظمی در مصطلح الحدیث میباشد، شرح کرده و عبارات غامض آن را واضح ساخته است.

۲- شرح این نظم بگونه ای است که تمام نهفته های نظم و مفاهیم آن به اشباع شرح و توضیح داده شده است. این خودش بیانگر این است که فتح المغیث بمعنای واقعی یک شرح است، نه حاشیه؛ زیرا حاشیه به مفهوم اصطلاحی آن، شرح برخی نکات متن یا نظم میباشد، بر خلاف شرح که توضیح و تعلیق بر تمام موارد متن یا نظم میباشد و این امر در کتاب فتح المغیث

به وضوح ظاهر میباشد، بطور نمونه میتوانیم شرح و بیان تعریف «منقطع» و انواع را آن مثال بیاوریم. (سخاوی، ۱۴۲۴ ق).

۳- اینکه مؤلف شرح را با متن مزج کرده است. البته این منهج برخی شارحان میباشد که در شرح‌شان اصل متن یا نظم را با شرح مخلوط میسازند و مقصود از این شیوه، مبالغه برای اظهار معنا و مفاهیم و صرف توجه از شکلیات متن و شرح، به اصل معنا و مفاهیم مطالب میباشد؛ بگونه مثال بیت عراقی در باب تعریف مسند را «وَالْمُسْنَدُ الْمَرْفُوعُ أَوْ مَا قَدْ وُصِلَ ... لَوْ مَعَ وَقْفٍ وَهُوَ فِي هَذَا يَقْلُ» به این شیوه شرح مینماید: «(وَالْمُسْنَدُ) كَمَا قَالَ أَبُو عَمْرٍو بْنُ عَبْدِ الْبَرِّ فِي التَّمْهِيدِ: هُوَ (الْمَرْفُوعُ) إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - خَاصَّةً... (أَوْ) الْمُسْنَدُ (مَا قَدْ وُصِلَ) إِسْنَادُهُ وَ (لَوْ) كَانَ الْوُصْلُ (مَعَ وَقْفٍ) عَلَى الصَّحَابِيِّ أَوْ غَيْرِهِ، وَهَذَا هُوَ الْقَوْلُ الثَّانِي، وَعَلَيْهِ فَالْمُسْنَدُ وَالْمُتَّصِلُ سَوَاءٌ». (سخاوی، ۱۳۲/۱، ۱۴۲۴ ق). چنانچه ملاحظه میکنیم، به چه قوت علمی عبارات الفیه را با شرح خود خلط نموده و به چه مهارتی مفهوم را افاده مینماید.

۴- همگام بودن با ناظم؛ بگونه‌ای که اخلاقی به ترتیب نظم وارد نشده و چیزی از عناوین آن ساقط نگشته است؛ بلکه شارح ترتیب ناظم را در ارایه مطالب رعایت نموده و تمام عناوین بیان شده در نظم را مورد شرح قرار داده است و این واقعیت از ترتیب مطالب خود کتاب مشاهد است.

۵- متوسط بودن شرح؛ طوری که نه طویل ممل است و نه هم قصیر مخَل. رعایت این امر ابتکاری است که از عهده آن هر شارحی تمییراید؛ چون بسا شروح زمانی که ملاحظه میگردد، دیده میشود که یا به تطویل گراییده است که سبب خستگی خوانندگان میشود و یا هم در تشریح مطالب بخل صورت گرفته است که در نتیجه جایگاه شرح بودن را زیر سوال میبرد.

۶- اشاره به سبب تصنیف این شرح، که عبارت از پاسخ به درخواست وجیهانی بود که اینرا خواسته بودند.

جزء سوم: ویژگیهای شرح فتح المفیث

امام سخاوی -رحمه الله- در فتح المفیث منهجی مبتکرانه‌ای را بکار برده است که در نتیجه آن، این شرح بزرگ دارای مزایایی میباشد که سبب بلندرفتن قدر و ارزش آن در جامعه علمی شده است؛ از جمله این ابتکارات و ویژگیها:

۱- احاطه کردن متن؛ طوری که نظم الفیه را همه‌جانبه شرح نموده است و تلاش نموده تا هیچ مطلبی ظاهر یا خفی در بطن نظم بدون شرح باقی نماند، با درنظرداشت اعتدال در شرح؛ بگونه مثال میتوانیم شرح وی بالای موضوع نقل حدیث از کتب معتمده را نقل نماییم:

عراقی میگوید:

[نَقْلُ الْحَدِيثِ مِنَ الْكُتُبِ الْمُعْتَمَدَةِ]

۴۷ - وَأَخَذُ مَتْنٍ مِنْ كِتَابٍ لِعَمَلٍ ... أَوْ اخْتِجَاجٍ حَيْثُ سَاعَ قَدْ جَعَلَ

۴۸ - عَرْضًا لَهُ عَلَى أَصُولٍ يَشْتَرِطُ ... وَقَالَ يَخِيى النَّوَوِيُّ أَصْلًا فَقَطُّ

(نَقَلَ الْحَدِيثَ مِنَ الْكُتُبِ الْمُعْتَمَدَةِ) الَّتِي اشتهرتْ نِسْبَتُهَا لِمُصَنِّفِهَا أَوْ صَحَّحَتْ، وَقَدَّمَ هَذَا عَلَى الْحَسَنِ الْمَشَارِكِ لِلصَّحِيحِ فِي الْحُجَّةِ لِمِشَابَهَتِهِ لِلتَّعْلِيقِ فِي الْجُمْلَةِ. (وَأَخَذَ مَتْنَهُ) أَي: حَدِيثٌ (مِنْ كِتَابٍ) مِنَ الْكُتُبِ الْمُعْتَمَدَةِ؛ كَالْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمَ، وَأَبِي عَوَانَةَ، وَأَبِي حُرَيْمَةَ، وَأَبِي حَبَانَ، [وَأَبِي الْجَارُودِ] مِمَّا اشتهرَ أَوْ صَحَّ (لِعَمَلٍ) بِمَضْمُونِهِ فِي الْفَضَائِلِ وَالتَّرغِيبَاتِ، وَكَذَا الْأَحْكَامِ الَّتِي لَا يَجِدُ فِيهَا الْأَخِذَ نَصًا لِإِمَامِهِ، أَوْ يَجِدُهُ فَيُبَيِّرُ دَلِيلَهُ الَّذِي لَعَلَّ بِوُجُودِهِ يَضَعُفُ مُخَالَفَهُ.

وَرُبَّمَا يَكُونُ إِمَامُهُ عَلَّقَ قَوْلَهُ فِيهِ عَلَى ثُبُوتِ الْخَبَرِ، أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَشْمَلُهُ قَوْلُ ابْنِ الصَّلَاحِ (أَوْ اِخْتِجَاجِ) بِهِ لِذِي مَذْهَبٍ (حَيْثُ سَأَغَ) - بِمُهْمَلَةٍ ثُمَّ مُعْجَمَةٍ - أَي: جَازَ لِلأَخِذِ ذَلِكَ، وَكَانَ مُتَاهِلًا لَهُ، وَالأَهْلِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ مِمَّا ذَكَرَ يَحْسِبُهُ، مَعَ الْعِلْمِ بِالِاخْتِلَافِ فِي انْقِطَاعِ الْمُجْتَهِدِ الْمُتَقَدِّمِ، فَضْلًا عَنِ الْمُطَّلَقِ، لِتَقْصِصِ الْهَمِيمِ (قَدْ جَعَلَ) أَي: ابْنُ الصَّلَاحِ.

(عَرَضًا لَهُ) أَي: مُقَابَلَةً لِلْمَأْخُودِ (عَلَى أَصُولٍ) مُتَعَدِّدَةٍ بِرَوَايَاتٍ مُتَنَوِّعَةٍ، يَعْني فِيهَا تَكَثُّرُ الرِّوَايَاتِ فِيهِ، كَالْفَرَبْرِيِّ وَالتَّسْفِينِيِّ وَحَمَادِ بْنِ شَاكِرٍ وَغَيْرِهِمْ بِالنِّسْبَةِ لِصَّحِيحِ الْبُخَارِيِّ، أَوْ أَصُولٍ مُتَعَدِّدَةٍ، فِيهَا مَدَارَةٌ عَلَى رِوَايَةٍ وَاحِدَةٍ كَأَكْثَرِ الْكُتُبِ (بِشَرِطٍ) أَي: جَعَلَهُ شَرْطًا؛ لِيُخْصَلَ بِذَلِكَ جَيِّزُ الْخُلَلِ الْوَاقِعِ فِي أَثْنَاءِ الْأَسَانِيدِ.

وَقَدْ تَكَثَّرَتْ تِلْكَ الْأَصُولُ الْمُقَابِلُ بِهَا كَثْرَةُ تَنْزُلِ مُزِيلَةِ الثَّوَابِتِ وَالِاسْتِفَاضَةِ، وَعِبَارَتُهُ: "فَسَيْلٌ" أَي: طَرِيقٌ، وَهَذَا ظَاهِرٌ فِي اشْتِرَاطِ التَّعَدُّدِ، وَإِنْ حَمَلَهُ غَيْرٌ وَاحِدٍ عَلَى الْاسْتِخْبَابِ وَالِاسْتِظْهَارِ.

(وَقَالَ) الشَّيْخُ أَبُو زَكْرِيَا (يُخَيِّى النَّوَوِيُّ) بِالِاكْتِفَاءِ بِالْمُقَابَلَةِ عَلَى (أَصْلِ) مُعْتَمَدٍ (فَقَطُّ): إِذِ الْأَصْلُ الصَّحِيحُ تَخْصُلُ بِهِ الثَّقَّةُ الَّتِي مَدَارُ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا صِحَّةٌ وَاجْتِجَاجًا، عَلَى أَنَّ ابْنَ الصَّلَاحِ قَدْ تَبِعَهُمْ فِي عَدَمِ اشْتِرَاطِ التَّعَدُّدِ فِي مُقَابَلَةِ الْمَرْوِيِّ مَعَ تَقَارُبِهِمَا. (سخاوی، ۸۱/۱، ۱۴۲۴ ق.)

چنانچه مشاهده میگردد، متن عراقی در باب نقل حدیث از کتب معتمده کلمه به کلمه، بشمول عنوان موضوع به شرح احاطه میگردد، فواید استنباط میگردد، احتمالات وارده در ذهن پاسخ داده میشود، بیان این همه بدون تطویل و بدون تقصیر صورت گرفته است.

۲- نقل بسیار از اقوال علما و راجع ساختن آن اقوال به گویندگان و مصادر آن؛ مگر در اندکی موارد. این ویژگی یکی از اسباب غنای یک اثر علمی بوده و عامل برابری آن میباشد؛ چنانچه در باب «استفاضه و شهرت در عدالت» نقل میکند که: «قَالَ النَّوَوِيُّ فِي التَّقْرِيبِ: يُقْبَلُ - أَي: فِي الرِّوَايَةِ - تَعْدِيلُ الْعَبْدِ وَالْمَرْأَةِ الْعَارِفِينَ، وَلَمْ يَحْكُ غَيْرَهُ. قَالَ الْخَطِيبُ فِي الْكِفَايَةِ: الْأَصْلُ فِي هَذَا الْبَابِ سُؤَالُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي قِصَّةِ الْإِفْكَ بِرَبْرَةٍ عَنْ خَالِ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، وَجَوَابِهَا لَهُ، يَعْني الَّذِي تَرَجَّمَ عَلَيْهِ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ: تَعْدِيلُ النِّسَاءِ بَعْضُهُنَّ بَعْضًا.» (سخاوی، ۱۲/۲، ۱۴۲۴ ق.)

همچنان در خصوص موضوع مکتوبین صحابه در روایت میاورد: «وَالْمُكْتَبُونَ» مِنْهُمْ رِوَايَةٌ كَمَا قَالَهُ أَحْمَدُ فِيمَا نَقَلَهُ ابْنُ كَثِيرٍ وَغَيْرُهُ، الَّذِينَ زَادَ حَدِيثُهُمْ عَلَى أَلْفِ (سِتَّةٍ)، وَهُمْ: (أَنَسٌ) هُوَ ابْنُ مَالِكٍ، وَ (ابْنُ عُمَرَ) عَبْدُ اللَّهِ، وَأُمُّ الْمُؤْمِنِينَ عَائِشَةُ (الصَّدِيقَةُ) ابْنَةُ الصَّدِيقِ، وَ (الْبَحْرُ) عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ.» (سخاوی، ۱۰۲/۴، ۱۴۲۴ ق.)

در این دو عبارتی که بطور نمونه ایراد گردید، بخوبی مشاهده میشود که امام سخاوی در شرح خود، اقوال را به گویندگان، مصادر و ناقلین نسبت میدهد و این یکی از ویژگیهای این اثر بشمار میرود.

۳- مناقشه آرا با رعایت ضوابط و اصول بحث و دوری از هرگونه برخوردی که آداب مناظره را اخلال میکند، در برخی آثار علمی رعایت این امر به مشکل درمیآید؛ زیرا مصنف یا مغلوب مذهب خود میگردد، یا محیط فکری وی بر او غالب میگردد و او را

از جانب‌داری باز میدارد؛ اما امام سخاوی -رحمه الله- در این اثر بیشتر تابع اصول بوده و از جانب‌داری غیر علمی در هنگام مناقشه اقوال اجتناب ورزیده است؛ چنانچه در مواضع فراوانی اصطلاح «وفیه نظر» را وارد نموده و اقوال را مناقشه مینماید. و همچنان اقوال ضعیفه را نیز نقل نموده و بصورت مستدل رد مینماید؛ قسمی که در موضوع اینکه حاکم در مستدرک خود در ایراد احادیث به شرط شیخین تساهل مینماید، قول ابو سعد مالینی را نقل میکند که گفته است: مستدرک را بصورت کامل مطالعه نموده‌ام؛ اما هیچ حدیثی به شرط شیخین در آن نیافته‌ام. این قول ابو سعد را خلاف پسند علمی دانسته و بیان میکند که در صنیع حاکم تساهل در تصحیح است؛ اما چنین هم نیست که ابو سعد مالینی ادعا نموده است. (سخاوی، ۱۴۲۴، ۵۴/۱ ق).

۴- به پایان‌رساندن هر باب با «فایده» یا «تتمه» یا «خاتمه» یا «تنبیه» یا «فرع». این روش ابتکار بزرگ و حایز اهمیت است؛ طوری که با به پایان‌رساندن یک مطلب فایده‌ای متصور را هم جا نمیگذارد.

۵- آوردن تراجم آن عده دانشمندانی که در الفیه ذکر شده‌اند؛ مانند: ابن صلاح، خطابی، ابن رشید، ابن سید الناس و... بصورت مختصر.

۶- مؤلف در خصوص رجوع به منابع، تنها به کتب فن رجوع نمیکند؛ بلکه به منابع دیگر از سایر علوم نیز رجوع میکند؛ مانند: تفسیر، فقه، تاریخ، ادب، نحو، لغت و... و محقق مطالعه‌کننده را از هیچ فایده‌ای که مربوط به موضوع شده؛ اما در مصادر دیگر ذکر است، بی‌نصیب نکرده است و این امر غنای این اثر را بیشتر نموده است؛ چنانچه در باب ذکر عبادله (عبد الله بن عباس، عبد الله بن عمر، عبد الله بن الزبیر، عبد الله بن عمرو بن عاص) که در تفسیر ثعلبی و شرح کافیة ابن حاجب عبد الله بن مسعود نیز در جمع عبادله میباشد. (سخاوی، ۱۴۲۴، ۱۰۵/۴ ق).

۷- بیان کردن حکم اکثر احادیث از لحاظ تصحیح و تضعیف، بصورت تصریح یا تلمیح؛ زیرا این اثر در مصطلح الحدیث است و سزاوار نمیباشد که روایات بدون اظهار صحت و سقم اسناد آن نقل شود؛ چنانچه در یکی از مواضع اثر خود میگوید: «بل یروی فی حدیث ضعیف عند الثمیری و غیره عن انس رفته: یخسر الله أصحاب الحدیث وأهل العلم يوم القيامة وجرهم خلوق یفوخ». (سخاوی، ۱۴۲۴، ۹۸/۳ ق).

۸- بیان و ترتیب موضوعات الفیه در قالب فصلها و مسایل؛ قسمی که به اینگونه درک مسایل را برای محقق مطالعه‌کننده آسان و قابل دسترس قرار داده است.

۹- از آنجایی که در این کتاب اقوال نقل میشود و باز از لحاظ تأیید و رد و یا استدراک مورد تعقیب، بررسی و مناقشه قرار میگیرد، شخصیت علمی مؤلف در آن بخوبی ظاهر شده است.

۱۰- از آنجایی مطالب و موضوعات را فصل‌بندی و مسئله‌بندی کرده است، از ذکر مناسب میان فصول و مسایل نیز دریغ نکرده است؛ چنانچه در وجه تقدیم مطلب «موقوف» بر موضوع «مقطوع» میگوید: «وقدم علی ما بعده لأختصاصه بالصحابی» (سخاوی، ۱۴۲۴، ۱۳۷/۱ ق).

نتایج و یافته‌ها

از خلال این تحقیق و بررسی در خصوص منهج سخاوی -رحمه الله- در فتح المغیث نتایج ذیل بدست می‌آید:

- امام سخاوی -رحمه الله- در شرح نظم الفیه مبتکرانه عمل کرده و سعی نموده‌است که تمام جوانب را شرح نموده و غوامض آن را حل نماید و با این ابتکار بینظیر جایگاهی همانند جایگاه فتح الباری نسبت به صحیح البخاری، کسب نموده‌است.
- نظم الفیه با شرح آن در فتح المغیث مزج گشته‌است؛ بخاطر مبالغه در تقریب معنا.
- فتح المغیث شرحی بدون تطویل و بدون تقصیر مخلّ می‌باشد.
- مطالب نظم الفیه فصل‌بندی و مسئله‌بندی شده‌است و مناسبت میان فصول و مسایل توضیح داده شده‌است.
- نقولات در غالب به مصادر اصلی ارجاع داده شده‌است.
- تتمه هر باب در این کتاب با ایراد فایده‌ای می‌باشد.
- صحت و سقم روایات در این اثر بیان گردیده‌است.
- اقوال و آرا در این اثر مورد تعقیب و مناقشه قرار گرفته‌است.

مناقشه

از خلال یافته‌ها درک می‌گردد که برخی موارد قابل ملاحظه است:

- هر چند در این اثر سعی شده تا نظم الفیه شرح شده و غوامض آن واضح گردد و همچنان تلاش شده تا شرحی بدون تطویل مملّ و تقصیر مخلّ بدست آید؛ اما اسلوب خود شرح در برخی جاها مغلق و پیچیده آمده‌است که فهم آن در برخی موارد مشکل گردیده‌است.
- احتمال میرود که تعقید اسلوب در برخی موارد برگردد به گمان مؤلف نسبت به درجه فهم و ذکاوت خوانندگان.
- هر چند منهج شارح نسبت اقوال به اصحاب آن بوده‌است؛ اما گاهی شده‌است که قولی را به مصدري نسبت داده؛ ولی در آن کتاب موجود نمی‌باشد؛ بطور مثال تعریف حسن را نزد ابن جوزی به کتابش «العلل المتناهیه» همچنان نسبت میدهد؛ در حالی که آنجا موجود نیست.
- با اینکه در این اثر احکام حدیثی بالای احادیث داده شده؛ اما اینگونه هم شده که شارح -رحمه الله- به حدیث ضعیف استدلال کرده‌است؛ چنانچه به حدیث: «أَرْبَعٌ لَا يَشْبَعْنَ مِنْ أَرْبَعٍ... وَعَالِمٌ مِنْ عِلْمٍ» (چهار کس از چهار چیز سیر نمیشود... [از جمله:] عالم از علم) استدلال کرده‌است؛ در حالی که این روایت را ابن جوزی -رحمه الله- موضوع دانسته‌است و خود سخاوی هم در کتاب «المقاصد الحسنه» حکم آن را نقل کرده‌است.
- به گمان نگارنده احتمال میرود این حدیث نزد سخاوی -رحمه الله- ضعیف باشد، نه موضوع و بخاطر موجودیت شواهد برای متنش آن را آورده باشد -والله أعلم-.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله بحث شد، بطور مختصر قرار ذیل نتیجه‌گیری مینماییم:

- امام سخاوی -رحمه الله- از شخصیت‌های بزرگ علم حدیث بوده و درآیت‌بودن در آن شهره آفاق بوده‌است.
- کتاب فتح المغیث در واقع شرحی بالای نظم الفیه الحدیث حافظ عراقی -رحمه الله- میباشد که کتاب علوم الحدیث ابن صلاح -رحمه الله- در دو هزار بیت خلاصه کرده و برخی مسایل را نیز در آن افزوده‌است.
- فتح المغیث شرح بینظیری بالای نظم عراقی میباشد که سایر شروح عیال آن میباشد.
- امام سخاوی -رحمه الله- در فتح المغیث منهج مبتکرانه‌ای را بکار برده‌است؛ قسمی که تمام مطالب نظم الفیه را با شرح خود احاطه کرده و غوامض آن را واضح کرده‌است.
- این شرح دارای ویژگی‌هایی میباشد که آن را بر سایر شروح برتری میبخشد؛ از جمله: توسط در شرح، ایراد اقوال و مناقشه علمی آن، نسبت اقوال به مصادر آن، بیان احکام احادیث و روایات، ترتیب و تنسيق زیبایی مسایل و فصول و... .

پیشنهادات

- ۱) پیشنهاد میگردد که طلاب علم و پژوهشگران علوم شرعی و حدیثی به مطالعه، تحقیق و پژوهش آثار امام سخاوی اهتمام بورزند.
- ۲) از آنجایی که دقت و فهم در خصوص مناہج مصنفین، عامل مهمی برای فهم درست آرای علما و استفاده درست از مصادر بزرگ علمی میباشد، علما و طلاب علوم شرعی، بخصوص علوم الحدیث در تحقیق مناہج علما سعی بیشتر نمایند.
- ۳) توصیه میگردد که طلاب علوم حدیث در کشور ما مطالعه و تحقیق کتاب فتح المغیث را مهم شمرده و در خصوص آن تلاش بورزند.

مآخذ

۱- قرآن کریم

- ۲- ابن عماد، عبد الحی بن احمد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ ق.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم جمال الدین، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- ۴- الخضیر، عبد الکریم بن عبد الله و محمد بن عبد الله آل قیید، مقدمه تحقیق فتح المغیث، ریاض، دار المنهاج، ۱۴۲۶ ق.
- ۵- زرکلی، خیر الدین بن محمود، الأعلام، دار العلم للملایین، ۲۰۰۲ م.
- ۶- سخاوی، محمد بن عبد الرحمن، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، بیروت، دار مکتبه الحیة.
- ۷- سخاوی، محمد بن عبد الرحمن، فتح المغیث بشرح الفیه الحدیث، تحقیق: علی حسین علی، مصر، مکتبه السنة، ۱۴۲۴ ق.
- ۸- سخاوی، محمد بن عبد الرحمن، فتح المغیث بشرح الفیه الحدیث، ریاض، دار المنهاج، ۱۴۲۶ ق.